

مقایسه نکته نظرات اندیشمندان و صاحب نظران اجتماعی و سیاسی و مردم استان کردستان در مورد توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات در سال ۹۶-۹۷

فواد محمدی^۱، سیف الله سیف اللهی^۲، سید محمد سید میرزائی^۳

چکیده

هدف از تحقیق حاضر مقایسه نکته نظرات اندیشمندان و صاحب نظران اجتماعی و سیاسی و مردم استان کردستان در مورد توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات در سال ۹۶-۹۷ بود. روش این تحقیق اسنادی، پیمایشی و دلفی بود، در تحقیق حاضر دو جامعه آماری داریم. یکی تمامی شهروندان زن و مرد ۲۰ الی ۶۰ سال استان کردستان. جامعه ی دیگر افراد مطلع و منتقد و اساتید استان کردستان. در این تحقیق از دو روش نمونه گیری متفاوت استفاده شده است. در روش دلفی از روش نمونه گیری هدفمند و در بخش پیمایش نیز به دلیل وسعت و ناهمگونی جامعه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. یافته های دلفی نشان داد که بیشتر پست های کلان مدیریتی در ایران انحصاری هستند و در اختیار گروهی خاص می باشند. سرمایه گذاری در استان کردستان کم بوده است و دولت اقدامات لازم را در این زمینه انجام نداده است. همچنین فرصت ها و موقعیت های ممتاز در ایران در اختیار عده ای خاص می باشند. یافته های کمی نشان داد که متغیرهای عدم دسترسی نخبگان استان به قدرت، عدم سرمایه گذاری در استان، انسداد اجتماعی و فرصت های نابرابر در دستیابی به مشاغل دولتی تاثیر معنی داری بر توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات در استان کردستان داشته اند. و این متغیرها با همدیگر ۲۸ درصد یعنی نزدیک به نیمی از تغییرات ناعادلانه بودن فرصت ها و امکانات در استان کردستان را تبیین کرده اند.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی، انسداد اجتماعی، توزیع نا عادلانه فرصت ها و امکانات، کردستان.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(Email: foad_mohammadi582014@yahoo.com)

^۲ دانشیار جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: seyfolahi@rped-almizan.ir)

^۳ استاد جمعیت شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: seyedmirzaie@yahoo.com)

مقدمه

انسان برای اینکه بتواند خواسته های خود را برآورده سازد، باید کارها و امور جامعه را بین خود تقسیم کند و از عواید و ره آورد آن بهره گیرد. اگر تقسیم کار اجتماعی و عواید آن بین انسانها براساس استعدادها، شایستگی ها، تجربه و تخصص صورت گیرد و در جهت تحقق آرمان ها، خواسته ها و نیازهای کل افراد جامعه و سیستم اجتماعی باشد، روابط اجتماعی بر عدالت اجتماعی استوار خواهد بود و نابرابری های اجتماعی معنی پیدا نخواهد کرد و احتمالاً ستیز، تضاد و جنگ در جامعه بشری پدید نخواهد آمد (سیف اللهی، ۱۳۸۸: ۲۲۰). توزیع فرصت ها و امکانات یکی از شایع ترین حقایق زندگی اجتماعی است برای بسیاری از ناظران امری بدیهی است اما در عین حال مسئله ای نیست که به سادگی حل یا تبیین گردد در عوض این قلمرو بحث هایی طولانی و پیچیده ای را در مورد این پرسش برانگیخته است که آیا این توزیع در جوامع بر اساس یک منطق علمی است یا نه، طبیعی است یا طرح ریزی شده، پایدار است یا گذرا. هر یک از جوامع به گونه ای اعضای خود را در موقعیت های اجتماعی نابرابر منتظم ساخته اند. سوروکین در مورد لایه ای بودن جوامع می گوید که لایه ای بودن ساختمان جامعه به معنای متفاوت بودن یک جمعیت مفروض به صورت طبقاتی است که از لحاظ سلسله مراتبی بر روی هم قرار گرفته اند. این وضع در وجود لایه ای فوقانی و تحتانی تجلی می یابد (کاشی و همکاران، ۱۳۷۳: ۷). مسئله نابرابری در جهان به عنوان دستاوردی تأسف بار در قرون اخیر گریبانگیر ملل مختلف شده است، به طوری که دولتها را در حل این پدیده عاجز ساخته است. این امر در کشورهای جهان سوم نمود بیشتری پیدا کرده است. امروزه تمامی دولت ها به دنبال بهبود زندگی اجتماعی مردم و اجرای برنامه های توسعه می باشند. یکی از مواردی که دولت ها در برنامه های توسعه باید مد نظر داشته باشند، توسعه مناطق مختلف کشور در سطوح استانی است. لزوم توجه به استان های کشور با توجه به شرایط آنها و سرمایه گذاری متناسب در کشور موجب توسعه متوازن می شود و به تبع آن همه احاد جامعه به نسبت متناسب از امکانات دولتی برخوردار می شوند. عدم رعایت توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات می تواند تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی دربر داشته باشد بنابراین برنامه ریزی جهت توزیع عادلانه اهمیت ویژه ای دارد. ایران به عنوان کشور در حال توسعه برای طی کردن مسیر توسعه نیازمند رفع نابرابری هاست. کم توجهی صاحب نظران توسعه اقتصادی-اجتماعی و مدیران سیاسی براین واقعیت، پیامدهای نامطلوب و بحران زایی در جامعه بوجود آورده که نیازمند تحقیقات منطقه ای و ملی، تدابیر واقع بینانه و مدیریت مدبرانه و هوشمندانه است (سیف اللهی، ۱۳۸۷: ۱۹).

نابرابری و عدم تعادل منطقه ای دو زمینه اصلی دارند که عبارتند از شرایط طبیعی هر منطقه جغرافیایی و تصمیمات سیاستگذاران و برنامه ریزان اقتصادی. می توان گفت که شناخت وضعیت برخورداری مناطق در شاخص ها و معیارهای مختلف برای سیاست گذاری و برنامه ریزی در راستای تحقق عدالت فضایی و اجتماعی صورت می گیرد، زمینه سازی برای رشد و توزیع متناسب امکانات و تسهیلات به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی، از جمله مباحث مطرح در توسعه منطقه ای است (علوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۰).

مردانی (۱۳۸۷) در تحقیق خود نشان داده است که استان های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و کردستان محروم ترین استان های کشور هستند. تحقیق ویسی و همکارانش (۱۳۸۹) در زمینه مقایسه سطح توسعه استان کردستان با دیگر استان های کشور حکایت از وجود نابرابری بین استان کردستان با میانگین کشوری در ابعاد و شاخص های جمعیتی، بهداشتی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی دارد که در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب به میزان ۲/۶۶ و ۲/۹۲ نابرابری و شکاف سطح توسعه بین این استان و میانگین کشور وجود داشته است. آنها همچنین دریافته اند که رتبه توسعه استان کردستان در سال ۱۳۸۵ در بین استان های کشور ۲۸ بوده است؛ این نشان از عدم برخورداری استان کردستان از امکانات مختلف اجتماعی می باشد. استان کردستان از استان ها مرزی کشور است که در فاصله دور از مرکز قرار گرفته است. این استان از تنوع قومی و مذهبی برخوردار است. افرادی از قوم کرد و ترک با مذهب شیعه و سنی در آن زندگی می کنند. که با وجود دارا بودن منابع، پتانسیل ها و ظرفیت های فراوان همچنان در گروه استان های توسعه نیافته و محروم قرار دارد.

از طرفی دیگر شاخص های توسعه اجتماعی در دیدگاه های صاحب نظران جامع هشناسی کلاسیک و معاصر به طور ضمنی و صریح مطرح شده است. دور کیم با دسته بندی جوامع به سنتی و صنعتی یا مدرن به ویژگی هر دو می پردازد که تخصص، انسجام، و نظم ارگانیک در جوامع مدرن به عنوان شاخص های توسعه اجتماعی قابل تامل است (تولایی، ۱۳۸۸: ۶۳).

اصول اولیه ی نظریه نوسازی (مدرنیزاسیون) از ایده ی پیشرفت، که اظهار می دارد مردم می توانند توسعه بیابند و خود باعث تغییر جامعه شوند، مشتق شده است. مارکو دو کندورسه^۱ یکی از اولین افراد تاثیر گذار این نظریه است. این نظریه همچنین بیان می دارد که پیشرفت های تکنولوژیکی و تغییرات اقتصادی می توانند منجر به تغییر در ارزش های اخلاقی و فرهنگی شوند. جامعه شناس فرانسوی امیل دور کیم بر وابستگی متقابل نهادها در یک جامعه و روشی که آنها با وحدت فرهنگی و اجتماعی در تعامل اند تاکید کرده است. "تقسیم کار اجتماعی" وی بر این نظریه بسیار تاثیر گذار بوده است (از کیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰).

اکثر جامعه شناسان کلاسیک و معاصر به نحوی بر پیامدهای زیان بار نابرابری های اجتماعی به ویژه نابرابری در توزیع ثروت مادی و فرصت های جامعه تاکید می کنند از آنجایی که مهم ترین هدف از ساماندهی سیاسی فضا در هر کشور در درجه اول ارائه بهینه خدمات به حداکثر شهروندان و در مرحله بعد اداره و کنترل افرادی است که در چارچوب مرزهای سرزمینی زندگی می کنند؛ لذا وجود بی عدالتی های جغرافیایی و توسعه ناموزون بخش های جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی ملی شده و منجر به بروز تحریکات و اگر ایانه بویژه در مناطق قومی شود که این مساله تاثیر سوئی بر امنیت و در نتیجه توسعه کشور دارد (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۷).

توسعه ناموزون میان مناطق قومی کشور موجب افزایش نابرابری های اجتماعی میان آنها در جامعه ایران شده است و تداوم توزیع نامتعادل و ناعادلانه امکانات و منابع میان گروه های قومی، نابرابری های اجتماعی را تشدید کرده است. این نابرابری های اجتماعی میان گروه های قومی از سوی مدیریت سیاسی جامعه در برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی مورد کم توجهی قرار گرفته است و ادامه این روند، منجر به افزایش نابرابری های اقتصادی، اجتماعی و انسانی شده است.

مباحث نظری و نقد و بررسی آنها

نظریه کارل مارکس

معتقد است که تاریخ تمامی جوامع تاریخ منازعه طبقاتی است و تمامی جوامع در گذشته و حال به دو دسته آنانی که مالک و کنترل کننده وسایل تولیدند و آنهایی که صرفاً مالک نیروی کار خود هستند، تقسیم شده اند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۴۴). در چارچوب هر شیوه تولید روابط و مناسباتی بر مبنای مالکیت شکل می گیرد که متضمن نابرابری های طبقاتی است و مارکس خصلت این روابط را تضاد و کشمکش می داند که نتیجه محتوم هر نوع نابرابری است مالکان نیروی کار، مالکان سرمایه و مالکان اراضی که منابع درآمدشان عبارت است از مزد، سود و عواید ارضی. بنابراین کارگران مزدبگیر، سرمایه داران و مالکان اراضی سه طبقه عمده جامعه نوین را تشکیل می دهند که بر اساس شیوه تولید سرمایه داری بنا شده است. مارکس معتقد است که در تمامی ادوار تاریخ شاهد تقسیم کامل جامعه به صنوف مختلف با درجه بندی گوناگونی از مقامات گوناگون اجتماعی هستیم (کاشی و همکاران، ۱۳۷۳: ۴۸-۴۹).

نقد و بررسی نظریه مارکس

مارکس نابرابری را به مثابه بازتاب مالکیت خصوصی بر روابط اجتماعی می دانست. از دیدگاه او مالکیت خصوصی عامل اساسی پیدایش شکاف طبقاتی و یا نابرابری بین مردم است و این شکاف همیشه در طول تاریخ بین طبقه مالک و آن ها که مالک نیستند، وجود داشته است. او طبقات جامعه را بر مبنای مالکیت ابزار تولید و دستیابی به ابزار تولید تحلیل نموده است. کسانی که مالک ابزار تولید هستند جزء افراد طبقه بالا و افرادی که فاقد ابزار تولید هستند را در طبقه فقیر و پایین جامعه قرار می دهد. مارکس مشخص نمی

¹ Marquis De Condorcet

کند که آنهایی که مالک ابزار تولید هستند از چه طریق آن را تصاحب شده اند و آیا واقعا شایسته ترین بوده اند و یا در اثر استثمار زیر دستان آن را تصاحب کرده اند. به طور کلی مارکس نگاه تک بعدی به انسان و تاریخ داشت و مالکیت خصوصی را در هر شکل نفی می کرد. که با نفی مالکیت انگیزه ی انسان برای تولید و کسب ثروت از بین می رفت.

نظریه رالف دارندورف

به عقیده ی دارندورف جامعه دارای دو بعد توافق و تضاد است که جامعه نمی تواند بدون وجود این دو بعد به حیات خود ادامه دهد چرا که لازمه ی همدیگراند و اگر توافق قبلی در کار نباشد کشمکشی نیز در میان نخواهد بود (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۶۰). دارندورف بر خلاف مارکس که مالکیت ابزار تولید را وجه ممیز طبقات می دانست بحث کنترل تولید را مطرح می کند و آن را در تحلیل طبقات اجتماعی در نظر می گیرد و معتقد است که در جامعه صنعتی مالکیت ثبتي و حقوقی از مالکیت به معنای کنترل و مدیریت بر ابزار تفکیک شده است. هر چه افراد منطبق و سازگار با ارزش ها و هنجار های مورد نظر جامعه باشند در سلسله مراتب اجتماعی مقام بالاتر و هر چه ناسازگار تر باشند در مقام پایین تر قرار دارند (ملک، ۱۳۸۱: ۸۶).

نقد و بررسی نظریه دارندورف

دارندورف منشا نابرابری را هنجارها و قوانین و توزیع نابرابر اقتدار بین افراد و گروه ها می داند که باعث تضاد و کشمکش بین افراد دارای اقتدار و افراد فاقد اقتدار می شود. دارندورف مقداری نابرابری را به جهت انگیزه برای بقای جامعه ضروری می داند. اما نسبت به توزیع جغرافیایی نابرابری بین مناطق توضیحی نمی دهد. دارندورف معتقد است تنها مسئله ی مالکیت نیست که طبقات را از هم جدا می کند بلکه در جوامع جدید این مدیران هستند که قدرت واقعی را در دست دارند و باعث به وجود آمدن طبقه بر اساس داشتن اقتدار و نه فقط مسائل اقتصادی می شوند که با نگاه کلی به استان کردستان در می یابیم که اکثر مدیران تصمیم ساز غیر بومی هستند، دارندورف روابط اجتماعی را بین گروه های فرا دست و فرو دست تقلیل داده است اما نگفته چگونه کسی قدرتمند می شود و بیشتر بر تضاد تاکید دارد و تمایز قائل نمی شود بین اینکه ایا فرمانبران به علت مشروع بودن بالا دستان از آنها اطاعت می کنند یا به دلایل گوناگون دیگر. که با نگاه با استان کردستان در می یابیم که فرا دستان اکثرا اقتدار خود را بر اساس وابستگیان به قدرت به دست آورده اند که این فرا دستان اکثرا غیر بومی اند.

نظریه گرهارد لنسکی

قدرت ناشی از ترکیبی از توانایی اعمال زور و دسترسی به حقوقی است که به لحاظ قانونی یا عرفی تایید شده باشد در نتیجه بر حسب اینکه کدام دسته از افراد اجتماع به چنین حقوقی دست پیدا می کنند یا از آن محروم می شوند تفاوت ها در قدرت می تواند نابرابری های اجتماعی متعددی بوجود بیاورد. وی به خوبی آگاه است که نخبگان اقتصادی متنفذ به طور معمول قادرند از قدرت دولت برای ارتقا منافع خود استفاده کنند و معتقد است که رتبه بندی های اجتماعی تا اندازه ای اجتناب ناپذیرند زیرا که انسان گرایش ذاتی دارد که ذخایر و امکانات خود را به هزینه دیگران به حداکثر رساند. کاهش نابرابری سیاسی و اقتصادی در دراز مدت ادامه خواهد یافت ولی هیچ گاه به جامعه آرمانی مساوات طلبانه ای که در آن تمام افراد از قدرت و امتیاز برابری برخوردارند دست نخواهیم یافت (گرپ، ۱۳۷۳: ۱۷۲-۱۶۵).

نقد و بررسی نظریه لنسکی

کالینز^۱ معتقد است توزیع ثروت تغییر می یابد. تحلیل لنسکی بین مقطعی است و با برقراری تقابلی میان جامعه کشاورزی و صنعتی پایان می یابد. با این حال این ها مقولاتی بسیار کلان است که در درون خود آن ها تفاوت ها و تمایزات بسیاری وجود دارد. می توانیم هر کدام از این مقولات را بررسی کنیم و ببینیم که در درون هریک از مقولات کلی، زیرمقوله های بسیاری وجود دارد. مشخص نیست منظور لنسکی از طبقه چه می باشد وی از یک سو طبقه های سه گانه را قبول دارد و از سوی دیگر ابعادی را مطرح می کند که طبقه ها به

¹ Collins

گونه ی دیگری است وی همچنین نابرابری را مفهومی چند بعدی و بازتاب قدرت و امتیاز در جامعه می داند که توزیع این قدرت و امتیاز میان مردم و مناطق بر عهده ی دولت است از آنجا که در جامعه ی ایران ثروت از طریق قدرت تامین می شود و خود قدرت از طریق دستگاه دولتی به افراد واگذار می شود بنابراین آن مناطقی که افراد صاحب منصب و نفوذ سطح بالایی در دستگاه دولتی دارند سهم بیشتری از قدرت و امتیاز را به خود اختصاص می دهند و آن استان ها و مناطقی که دسترسی اندک به قدرت دارند و نتوانسته اند در به دست آوردن پست های سیاسی و مدیریتی کلان کشور سهم باشند از نظر اقتصادی ، آموزشی، امکانات رفاهی و غیره نسبت به بقیه ی مناطق کشور محروم بوده و بدین ترتیب نابرابری بین استان ها در توزیع امکانات و مزایای اجتماعی بیشتر شده است.

نظریه جان رالز

رالز معتقد است عدالت اولین فضیلت برای نهاد اجتماعی است همچنان که حقیقت برای نظام تفکر، با همین دیدگاه، او آن اندازه در تعریف عدالت حرکت کرد که آن را مقدم بر خوشبختی می دانست. رالز بر اساس سنت قرارداد اجتماعی و اندیشه های جان لاک نظریه خود را می سازد و فرض می کند که افراد آزاد، برابر و خردمند در یک موقعیت اولیه می خواهند اصول عدالت را برگزینند در حالیکه در پشت یک پرده نادیده انگاری یا تجاهل قرار دارند آنان ویژگی های شخصی و ارزش داوری های خویش را نادیده می گیرند اما یک برداشت جامع از وضعیت اقتصادی و سیاسی، فرهنگ زیسته خویش و ... را دارا هستند آنان خیرها یا محاسن اجتماعی و طبیعی را بر می گزینند. اصل نخست عدالت از نظر رالز این است که هر فرد باید نسبت به گسترده ترین نظام کامل آزادی های اساسی برابر، حق مساوی داشته باشد که با یک نظام مشابه آزادی برای همگان سازگار باشد(رالز، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۴).

نقد و بررسی نظریه جان رالز

بر مبنای نظریه ی رالز باید طبقات پایین جامعه از امکانات و رفاه بهره مند باشند و دولت باید امکانات اجتماعی را به صورت برابر بین استان های کشور توزیع نموده و فرصت ها و زمینه های توسعه را در استان های محروم و مرزی کشور فراهم نماید که لازمه ی آن توجه به توسعه ی برابر همه ی استان هاست. البته او عوامل فردی از جمله استعداد و توانایی افراد را در بهره مندی از مزایای اجتماعی موثر دانسته و می گوید برای تحقق عدالت اجتماعی لازم است فرصت های یکسان و برابر برای افراد جامعه فراهم گردد تا افراد بتوانند استعداد خود را شکوفا نموده و از مزایای اجتماعی بهره مند شوند. با این وضع نظریه ی رالز بیشتر انتزاعی است چون فیلسوفی دانشگاهی و آرمان گرا بود. همچنین مساوات طلبی مورد نظرش برای همگان خصوصا توانگران قابل قبول نیست. افراد باید شانس برابر برای تصدی مناصب دولتی داشته باشند و بتوانند بر اساس استعداد و شایستگی های خود فارغ از عواملی نظیر جنسیت، قومیت، زبان و مذهب در سلسله مراتب اجتماعی پیشرفت کنند. فرصت های نابرابر گروه های اجتماعی موجب ایجاد نابرابری اجتماعی در جامعه گردیده و نابرابری بخشی ایجاد می کند. این امر موجب می گردد که امکانات کشور به صورت نابرابر در مناطق توزیع گردند و در نتیجه بعضی از استان ها از فرصت های لازم برای توسعه باز بمانند.

نظریه فرانک پارکین

هدف اولیه پارکین این است که نقش جامعه شناس غیر مارکسیست یا بورژوا را ایفا کند و کاستی های مارکسیست را مورد انتقاد قرار دهد. موضوع او این است که شکاف های طبقاتی دیگری در جامعه جدید وجود دارد که باید در نظر گرفته شود و همچنین اشکال بی شماری از استثمار وجود دارد که از طبقه متمایز است و مستقل از ساختار طبقاتی عمل می کند. پارکین نظام طبقاتی را شامل یک طبقه مسلط که حق تحریم در مورد دارائی و مدارک خاص را دارد و یک طبقه تحت سلطه کارگران که درجات مختلفی از قدرت های غاصبانه برخوردار است و یک رده میانی نیمه حرفه ای ها و کارگران ماهر که ترکیبی از دو نوع انسداد را در اختیار دارند، می شود. تأکید او بر انسداد تحریمی که به وسیله بازوهای سرکوب گر و قانونی دولت صورت می گیرد، نشان می دهد که به عقیده پارکین دولت در نظام های نابرابری جوامع جدید نقش بسیار مهمی را ایفا می کند.

نقد و بررسی نظریه پارکین

از دیدگاه پارکین نابرابری بین گروه های اجتماعی در جامعه ریشه در انسداد اجتماعی دارد. به عقیده او در یک جامعه راه پیشرفت و دستیابی به مزایای اجتماعی برای بعضی از گروه های اجتماعی بسته است و بعضی از گروه ها و طبقات اجتماعی نمی توانند در جامعه ترقی کنند. پارکین عواملی از قبیل نژاد و قومیت و جنسیت و مذهب را در انسداد اجتماعی جامعه موثر دانسته است. بنابراین می توان نابرابری بین استان ها و عدم توسعه یافتگی استان کردستان را در پرتو عواملی از قبیل قومیت (کرد بودن) و مذهب (اهل تسنن) تبیین نمود. زبان و مذهب مردم استان کردستان با زبان و مذهب رسمی کشور متفاوت است و این تفاوت عاملی بر سر راه توسعه استان کردستان بوده است.

نظریه سیف الهی

سیف الهی معتقد است که اجتماعات و جوامع انسانی از سه عنصر بنیادی یعنی محیط جغرافیایی و اقلیمی، عنصر انسانی و عنصر معیشتی یا اقتصادی تشکیل شده اند که این اجتماعات در جهت پاسخگویی به نیاز های زیستی، روانی و اجتماعی انسان ها به وجود آمده اند و برای اینکه بتوانند به حیات خود ادامه دهند نیازمند عناصر ارتباطی است اگر نوع ارتباط و روابط بین افراد مبتنی بر اصول و نظم مشخص و مدون باشد و موجب شکوفایی استعداد ها و تامین خواسته های وی شود سیستم اجتماعی از همبستگی و وفاق و سازگاری بیشتری برخوردار خواهد شد ولی اگر روابط اجتماعی بر یک رشته از معیار های شخصی و یا گروهی استوار شد، تنش و ستیز و تعارض جای تعاون و همبستگی را می گیرد (سیف الهی، ۱۳۸۸: ۹۸-۱۱۰). به طور کلی سیف الهی فرایند پیدایش روابط اجتماعی نا عادلانه را نشأت گرفته از عملکرد ساختار ناموزون نظام اجتماعی که ناشی از ماهیت و کارکرد ساختار درونی و بیرونی عناصر بنیادین تشکیل دهنده نظام اجتماعی است می دانست. و هر قدر ناموزونی، ناهماهنگی و ناهمگونی در نظام اجتماعی بیشتر باشد روابط اجتماعی در درون جامعه و بین جوامع انسانی نا عادلانه تر و یک سویه تر است (سیف الهی، ۱۳۸۶: ۵۷).

نقد و بررسی نظریه سیف الهی

سیف الهی فراتر از یک عامل را در نابرابری و توزیع فرصت ها موثر می دانست. سیف الهی چگونگی توزیع، تولید و مصرف و تقسیم کار را در جامعه سبب نابرابری می دانست که عوامل متعددی بر فرایند تقسیم کار دخیل بودند و این عوامل شامل عناصر و مولفه های جغرافیایی، جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مدیریتی بودند.

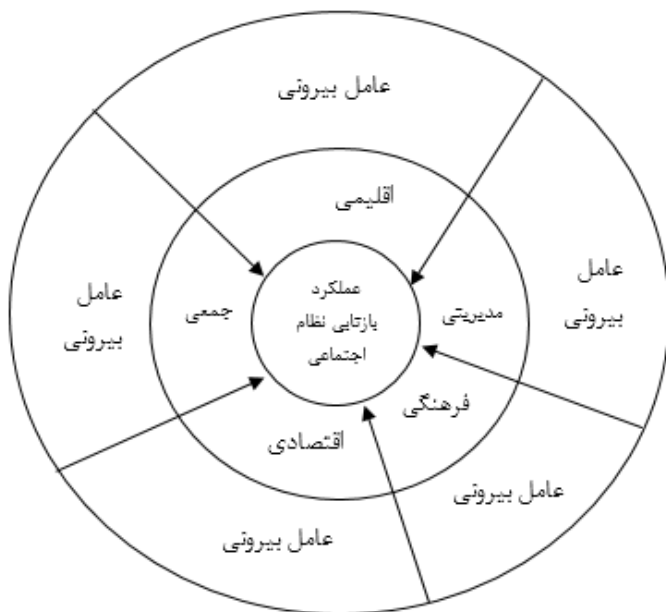
یافته های نظری از نظریه های مورد نقد و بررسی

در پژوهش حاضر از نظریه ی مارکس به این دلیل استفاده شد که مارکس طبقات جامعه را بر مبنای مالکیت ابزار تولید و دستیابی به ابزار تولید تحلیل نموده است. و از دید وی نابرابری در جامعه بشری ناشی از چگونگی تقسیم کار است و روابط و مناسبات که بر اساس مالکیت شکل گرفته اند عامل نابرابری است چرا که طبقه ی مالک از قدرت توزیع ثروت و فرصت ها و امکانات در جامعه برخوردار است. دارندورف نیز موضوع اصلی در تحلیل نابرابری اجتماعی را روابط مبتنی بر اقتدار بین آنهایی که مقتدرند و آنهایی که از اعمال اقتدار محرومند، می دانست و معتقد بود که اگرچه نابرابری اجتماعی حاصل وجود گروه ها با منافع متضاد است که برای دستیابی به مزیت رقابتی می کنند اما این رقابت به طور معمول بر طبق مقررات نهادی شده در حیطه اقتصاد و سیاست و تحت شرایط کثرت گرا و مشروع انجام می گیرد و در جوامع جدید تضاد طبقاتی نهادی شده است، یعنی به طور مشروع در قلمروهای دولت و اقتصاد جا افتاده و صورت قانونی به خود گرفته است. از سوی دیگر از نظریه لنسکی به این دلیل استفاده شد که می گوید میزان دسترسی متفاوت افراد به قدرت باعث نابرابری در میزان امتیازات مادی می شود و قدرت و امتیاز تعیین کننده حیثیت افراد در جامعه است و قدرت عامل محوری بوجود آمدن نابرابری در جامعه است همچنین حق مالکیت خصوصی و یا حقی که در آن قوانین بر حسب نژاد، جنس، دین به عده ای قدرت داده و عده ای دیگر را از قدرت محروم می کند که این باعث بوجود آمدن نابرابری های متعدد اجتماعی می شود، از نظریه پارکین به این دلیل استفاده شد که می گوید اشکال بی شماری از استثمار وجود دارد که از

طبقه متمایز و مستقل از ساختار طبقاتی عمل می کند که در جوامع مختلف دارای اهمیت متفاوتند و به طور نوعی می توان از نژاد، قومیت، جنسیت و مذهب یاد کرد. نظام طبقاتی بوسیله مدارک رسمی و تحصیلی که دیگران را از جایگاه های ممتاز محروم می سازد شکل می گیرد که نتیجه آن انحصار قانونی خدمات حرفه ای است. از نظریه رالز به این دلیل استفاده شد که معتقد است که هر فرد باید نسبت به آزادیهای اساسی برابر همگانی حق مساوی داشته باشد و اگر نابرابری در جامعه باشد باید در جهت محرومترین اقشار جامعه باشد و باید دسترسی به مقامات و مناصب تحت شرایط برابری منصفانه فرصت ها برای همگان میسر باشد و همگان از فرصت منصفانه دستیابی به آنها برخوردار باشند و آنهایی که استعداد و توانایی یکسان و اشتیاق یکسانی دارند باید فارغ از خاستگاهشان چشم انداز موفقیت یکسانی پیش رو داشته باشند.

چارچوب نظری تحقیق

هر نظریه ای که شکل می گیرد غالباً نشأت گرفته و متناسب با اوضاع و احوال آن جامعه و همچنین زمانه ای که نظریه پرداز در آنجا حضور داشته است. برای مثال نظریه های مارکسیستی بیشتر بر تجارب جوامع غربی اروپا متمرکز بود و فرض می کنند که همه ی کشور های جهان باید از همان مسیر پیشرفت و توسعه پیروی کنند اما رویکرد های نئو مارکسیستی این تفسیر را مورد سوال و تردید قرار دادند (ازکیا، احمدرش، دانش مهر، ۱۳۹۲: ۵۴). بنابراین لازم است که پژوهشگران نسبت به بومی سازی نظریه در ارتباط با مسائل به وجود آمده پیرامون خود اقدام نمایند و نسبت به جرح و تعدیل نظریه ی متناسب با جامعه ایرانی اقدام نمایند. سیف الهی یکی از کسانی است که با ساختن پارادایم خود در جهت تبیین مسائل اجتماعی ایران گام های موثری برداشته است. و الگوی ایرانی - اسلامی برای نظام اقتصادی - اجتماعی ایران در جهت رهایی از وابستگی و روابط ناعادلانه اقتصادی - اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن نیازمند برنامه اقتصادی - اجتماعی پیشنهاد می کند که از درون فرهنگ خود و از متن اسلام گرفته شده باشد تا از این طریق از نظریه های اقتصادی و برنامه های مدون کشورهای خارجی بی نیاز شود که باید واقعیت های زیر را مورد توجه قرار دهد تا ضمن رویارویی با موانع و تنگناهای درون جامعه، امکان دستیابی به دگرگونی و توسعه اقتصادی - اجتماعی خوداتکایی و انسجام یافته را داشته باشد. سیف الهی معتقد است که مسائل اجتماعی در جامعه انسانی پیش از آنکه ناشی از رفتار فرد باشد، ناشی از عملکرد نامطلوب نظام اجتماعی است به عبارتی دیگر مسائل اجتماعی در جامعه انسانی ناشی از روابط اجتماعی ناعادلانه ای است که از ترکیب عناصر بنیادین نظام اجتماعی و عوامل بیرونی پدید می آید. که هراندازه ناموزونی و ناهماهنگی در نظام اجتماعی بیشتر باشد، روابط اجتماعی در درون جامعه و بین جوامع انسانی ناعادلانه تر و یک سوپیه تر و از بالا به پایین شکل می گیرد (سیف الهی، ۱۳۸۶: ۶۳).



شکل (۱): پارادایم فرایند ترکیب ساختاری ارکان و عناصر بنیادین نظام اجتماعی

از آنجا که استفاده از امکانات در جهان هستی، به ویژه در جوامع انسانی، به علت استفاده‌ی نامطلوب و یا در واقع به علت شکل‌گیری روابط اجتماعی ناعادلانه در جامعه که به صورت مطلوب و عادلانه توزیع نمی‌شود بنابراین توسعه نیز در جامعه انسانی به اشکال گوناگون پدیدار می‌شود.

روش شناسی

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز تحقیق از روش‌های اسنادی، پیمایشی و دلفی استفاده شده است. برای تدوین مبانی نظری تحقیق از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) استفاده گردید. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز تحقیق در خصوص متغیرهای تحقیق از روش پیمایشی استفاده شد، در این بخش بر اساس متغیرهای تحقیق، پرسشنامه تنظیم گردیده و از شهروندان استان کردستان پرسیده شد. در بخش دیگری نیز از روش دلفی استفاده گردید. در این قسمت چند سوال کلی بر اساس متغیرها و فرضیه‌های تحقیق نوشته شده و از افراد مطلع استان از جمله اساتید دانشگاه‌های استان، مدیران مراکز و نخبگان و منتقدین استان مصاحبه به عمل آمده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است این پرسشنامه دارای ۷۶ سوال بسته پاسخ و ۸ سوال جمعیت‌شناختی می‌باشد که سوالات پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از (خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) درجه بندی شده‌اند. به طوریکه این پرسشنامه زمینه‌ها و تنگناهای توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات و عوامل اجتماعی موثر بر آن را در یک مقیاس اندازه‌گیری می‌کند. به منظور روایی پرسشنامه از روایی صوری به طوریکه مورد تایید استاد راهنما و استاد مشاور و چند تن از اساتید جامعه‌شناسی قرار گرفته است. و به منظور پایایی پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS میزان آلفای آن به شرح جدول زیر به دست آمد:

جدول (۱): میزان آلفای کرونباخ گویه‌های پرسشنامه

نام متغیر	آلفای کرونباخ
توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات	۰/۷۲۴
عامل مذهب	۰/۸۰۲
عامل قومیت	۰/۷۶۹
انسداد اجتماعی	۰/۷۴۱
فرصت‌های نابرابر در دستیابی به مشاغل دولتی	۰/۷۴۵
انحصاری بودن پست‌های کلان‌مدیریتی	۰/۸۳۲
دسترسی به قدرت	۰/۸۴۳
عدم سرمایه‌گذاری در استان	۰/۷۹۱
در دست داشتن فرصت‌ها و موقعیت‌های ممتاز	۰/۷۹۲

برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از نخبگان، کارشناسان، منتقدین و افراد مطلع استان از روش دلفی و تکنیک مصاحبه که ترکیبی از مصاحبه روایتی، عمیق (نیمه ساخت یافته) می‌باشد، استفاده شده است. در این تحقیق با توجه به اینکه از روش کیفی هم استفاده شده است، بر اساس موضوع تحقیق و اهداف آن چند سوال کلی مطرح شده و این سوالات از پاسخگویان پرسیده شده‌اند. این سوالات به صورت باز بوده‌اند که البته محقق مصاحبه را جهت‌گیری کرده است. در تحقیق حاضر دو جامعه آماری داریم. یکی از آنها عبارت است از کلیه شهروندان زن و مرد ۲۰ الی ۶۰ سال استان کردستان که در سال ۱۳۹۷ و در هنگام اجرای تحقیق در این استان ساکن بودند و تعداد آن‌ها برابر سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۷۳۵۰۰۰ نفر است. جامعه‌ی دیگر عبارت است از افراد مطلع و منتقد و اساتید استان کردستان که تعداد دقیق این افراد مشخص نیست. افراد مطلع گروه‌هایی را شامل می‌گردد که به نوعی اطلاع زیادی در حوزه‌ی مسائل استان کردستان دارند. در این تحقیق برای دو گروه جامعه آماری از دو روش نمونه‌گیری متفاوت استفاده می‌گردد. در بخش روش دلفی از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. بدین صورت که از افراد واجد شرایط مصاحبه به عمل می‌آید. که تعداد ۵۰ پرسشنامه برای پیل دلفی توزیع گردیدند در بخش پیمایش نیز به دلیل وسعت و ناهمگونی جامعه آماری

ابتدا از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. خوشه ها همان شهرهای استان می باشند. با توجه به اینکه هدف مطالعه و بررسی توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان و عمدتاً از ازدیدگاه شهروندان کرد اهل تسنن بوده است، سه شهر سنندج، مریوان و سقز به عنوان خوشه ها انتخاب شدند. در داخل هر شهر بر اساس نقشه سازمان مسکن و شهر سازی و شهرداری چند محله به صورت تصادفی انتخاب شدند در مرحله بعد در هر منطقه بر اساس نقشه جغرافیایی شهر چند بلوک و خیابان و در نهایت کوچه را به شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شده و در پایان با مراجعه به درب منازل با فرد مورد نظر خود (شهروند ۲۰ تا ۶۰ سال) مصاحبه به عمل آمد. تحلیل داده های تحقیق به دو صورت کیفی و کمی انجام گردید. در سطح کیفی مصاحبه هایی که از نخبگان و افراد مطلع استان کردستان پرسیده شده است، تحلیل کیفی شدند و به نوعی از روش دلفی استفاده گردید. داده های تحقیق بر اساس روش دلفی در سه راند جمع آوری و تحلیل شدند. در سطح کمی هم تحلیل آماری داده ها در دو سطح انجام گرفت: (۱) سطح توصیفی، که در آن داده های به دست آمده در مورد هر کدام از متغیرها به صورت جداول توزیع فراوانی تنظیم شده و از طریق آماره های توصیفی، توصیف شد؛ (۲) سطح تبیین، که در آن تغییرات یا واریانس متغیر وابسته از طریق تغییرات متغیر یا متغیرهای مستقل توضیح داده شد (ساعی، ۱۳۸۱:۳۸). روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش هم توصیفی و هم استنباطی بود. در بخش روش توصیفی، تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات آمارهای توصیفی میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد استفاده شد. در بخش روش استنباطی نیز با توجه به فرضیه های تحقیق از آمارهای استنباطی مناسب هر یک از فرضیه ها از جمله آزمون t، همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار آماری SPSS استفاده شده است.

دستاوردها، یافته ها و راهکارها

یافته های برگرفته از مطالعه دلفی

۱. تمرکز گرایی در ایران و دور بودن استان کردستان از مرکز چه تاثیری در میزان بهره مندی آن از فرصت ها

و امکانات اجتماعی دارد؟

پاسخگویان تمرکز گرایی در نظام سیاسی ایران را از جمله دلایل عدم توسعه یافتگی و بهره مندی از امکانات و فرصت های اجتماعی استان کردستان دانسته اند. آنها معتقد بودند که نظام سیاسی ایران متمرکز است و بنابراین بیشتر امکانات و بودجه ایران در پایتخت و چند استان مرکزی متمرکز گردیده است. بعلاوه استان کردستان یک استان مرزی می باشد. بنابراین دولت تمایل چندانی برای سرمایه گذاری در این استان نداشته و ندارد. یکی از آنها هم در این زمینه معتقد بودند که دور بودن استان به خودی خود نمی تواند عاملی برای عدم توسعه استان باشد. در نظام های سیاسی دنیا دولت ها تمایزی بین استان های مرکزی و مرزی خود قایل نبوده و امکانات یکسانی را در همه استان های تحت سلطه خود فراهم می کنند. بنابراین این امر بیشتر به تمرکز گرایی دولت ایران بر می گردد که سعی داشته استان های مرزی را در محرومیت نگه دارد.

۲. چرا در رابطه با نخبگان استان کردستان شایسته سالاری رعایت نمی شود؟

نفی شایسته سالاری نه مساله صرفاً قومی و استانی، بلکه چالش اساسی کشور در بعد کلان است. اساساً نظام و ساختار مدیریتی کشور نه بر انتخاب و گزینش نخبگان بلکه بر تصمیمات فرقه ای، جناحی، ایدئولوژیکی و بانندی متکی است. در این میان نخبگان استان کردستان بیشتر از استان های دیگر مورد بی مهری واقع شده اند. پاسخگویان معتقد بودند که ساختار اجتماعی و سیاسی ایران مبتنی بر رانت و رابطه است نه شایسته سالاری. قطعاً نخبگان در سراسر کشور قربانی این ساختار غلط می باشند و نخبگان استان کردستان دوچندان قربانی این ساختار نامناسب شده اند. آنها گفته اند که در کل شایسته سالاری در ایران رعایت نشده است. اما در استان کردستان با توجه به دو ویژگی سنی بودن و کرد بودن، عدم توجه به نخبگان استان در مقایسه با سایر نقاط کشور دوچندان شده است.

۳. ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی چه نقشی در توزیع فرصت ها در استان کردستان داشته است؟

پاسخگویان در این راستا معتقد بودند که نظام حاکم بیشترین بهره را از مسایل دینی و ایدئولوژیک می برد. نظام ایران با در اختیار داشتن پول، قدرت و رسانه در راه حذف سایر ادیان و مذاهب گام بر می دارد؛ چرا که اصل ماندگاری و هویت نظام بر ایدئولوژی

حاکم بر آن مبتنی است. عامل اصلی نابرابری، ایدئولوژی غیر فراگیر نظام سیاسی ایران است. چه به طور نوشته و چه نانوشته کردها و اهل سنت از دسترسی به منابع و مزایای فراوانی محروم شده اند و نظام سیاسی هم به طور رسمی از هویت سیاسی و اجتماعی خاصی حمایت می کند که این هویت در کردستان طرفدار جدی و زیادی ندارد.

۴. چرا نمایندگان استان کردستان در تخصیص بودجه لازم به استان کردستان قدرت چانه زنی را ندارند؟

پاسخگویان در این زمینه بر این عقیده بوده اند که ساختار انتخابات ایران اجازه ورود افراد چانه زن را نمی دهد زیرا که افراد منتقد و توانا گزینش نمی شوند و در نتیجه افرادی سرسپرده به مجلس راه می یابند که توانایی دفاع از حقوق مردم را ندارند. نمایندگان استان فقط با هدف استفاده از قدرت و رانت وارد مجلس می شوند. آنها اظهار داشتند که نمایندگان استان کردستان از قدرت سیاسی زیادی برخوردار نیستند و به تناسب توان سیاسی خویش مطالبات را مطرح و پیگیری می کنند. در مجلس شورای اسلامی بیشتر لابی گری حاکم است و چون نمایندگان استان کردستان قدرت لابی گری را ندارند، قدرت چانه زنی را برای منافع حوزه انتخابیه خود ندارند.

۵. قومیت گرایی در ایران چه تاثیری در توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات در استان کردستان نسبت به سایر استان ها داشته است؟

پاسخگویان در رابطه با قومیت گرایی در ایران گفته اند که در نظام ایران سعی بر یکسان سازی ملیتی و قومیتی است و نه احترام به تفاوت ها. بنابراین بیشترین فرصت ها در اختیار قوم و گروه مسلط قرار دارد. سرمایه اجتماعی درون گروهی و قومیت گرایی مانع از تحرک اجتماعی نخبگان در سطح ایران و حتی جهان می شود. این امر بهانه ای به دست مرکز گرایان داده است تا برای فرسایش هویت های قومی برنامه ریزی داشته باشند یا با محروم ساختن آنها در جهت تغییر هویت گام برداشته شود. آنها معتقد بودند که قومیت گرایی در ایران در سه دهه اول خیلی تاثیر منفی داشته است اما به مرور کمتر شده است.

۶. انسداد اجتماعی در ایران چه نقشی را در عدم بهره مندی استان کردستان از فرصت های رشد و توسعه داشته است؟

انسداد اجتماعی در جامعه امکان نقد قدرت و ارایه برنامه برای بهبود وضع موجود را می گیرد. از این رو بدون نقد و بررسی جدی بسیاری از منابع به هدر می رود. پاسخگویان در رابطه با تاثیر انسداد اجتماعی بر عدم بهره مندی استان از فرصت های رشد گفته اند که: انسداد اجتماعی موجب دور بودن استان از فرصت های رشد و توسعه و کاهش اعتماد مردم به دولت و مسولین شده است و دولت ها عملکرد ضعیفی را در استان داشته اند. انسداد اجتماعی همچنین موجب شده است تا استان کردستان از رسانه موثر، احزاب اثرگذار و گروه های فشار بر دولت و تاثیر گذاری توده های عامه در سرنوشت استان دور باشد و در نتیجه از فرصت های رشد و توسعه محروم باشد. بنابراین می توان گفت که انسداد اجتماعی در ایران موجب انحصار طلبی شده است و استان های مرکزی همه چیز را برای خود می خواهند و از هر ابزاری برای حفظ وضع موجود استفاده می کنند.

۷. چرا نخبگان استان کردستان در بدنه قدرت ایران جایی ندارند؟

پاسخگویان در این باره گفته اند که به دلیل ایدئولوژی محدود در نظام سیاسی ایران و کرد و سنی بودن اکثریت مردم استان، نخبگان استان در مرکز قدرت سیاسی ایران یا جایی ندارند و یا حضور کم رنگ دارند. زیرا از بدنه قدرت دور هستند و به دلیل عدم همسانی مذهب و زبان مردم استان با مرکز، به نخبگان استان اعتماد نمی کنند، در نتیجه سمت های کلان مدیریتی به آنها واگذار نمی شود که در برخی موارد موجب پایین آمدن اعتماد به نفس نخبگان استان شده است.

۸. جناح بندی سیاسی در ایران چه تاثیری را در عدم بهره مندی استان کردستان از فرصت ها و امکانات داشته است؟

تعدادی از پاسخگویان در این زمینه اظهار داشته اند که در ایران جناح بندی سیاسی یک بازی سطحی سیاسی جهت کانالیزه کردن انتقادات، اعتراض ها و مطالبه گری ها است. این جناح بندی ها بسیاری از مطالبه گری های سطح استان را در مسیر مورد نظر نظام

حاکم کانالیزه کرده است. آنها گفته اند که جناح بندی سیاسی در ایران موجب حذف نخبگان و انسان های کارداران مستقل شده است. بر این اساس می توان گفت که جناح بندی های سیاسی در ایران برای توسعه کردستان سودی ندارد. چون هر دو گروه اصلاح طلب و اصول گرا دیدگاه یکسانی به توسعه کردستان دارند.

۹. چرا دولت مرکزی در تصدی پست های کلان مدیریتی به نخبگان استان کردستان اعتماد نمی کند؟

اصولاً دولت مرکزی به هر کسی که برخی از ویژگی های انتسابی مورد قبول را نداشته باشد و از اندیشه های سیاسی و مذهبی خود پیروی کند به دیده تردید می نگرد. کردستان و نخبگان آن کمتر ویژگی های مورد قبول نظام سیاسی را دارند. پاسخگویان در این زمینه معتقد بودند دلیل اصلی این بی اعتمادی شاید عدم حضور جدی نخبگان استان در جناح بندی های سیاسی و نداشتن قدرت چانه زنی آنها در سطح بالا باشد. آنها همچنین به تداوم رویکرد اوایل انقلاب در ساختار نظام و فقدان یک ساختار قانونمند و مدیریتی در کشور اشاره کرده اند.

۱۰. با توجه به موقعیت جغرافیایی استان، پتانسیل استان کردستان را برای رشد و توسعه اقتصادی چگونه ارزیابی می کنید؟

پاسخگویان در این زمینه اظهار داشته اند که استان کردستان از نظر تجاری، جغرافیایی، طبیعی، کشاورزی، توریستی و گردشگری و منابع سرشار آبی بهترین پتانسیل را برای رشد و توسعه در ایران دارا است و پتانسیل استان کردستان برای رشد و توسعه از بسیاری استان های کشور بیشتر است. آنها همچنین گفته اند که استان کردستان در حوزه های مختلفی چون مبادلات مرزی، کشاورزی و باغداری و تامین گوشت پتانسیل خوبی دارد. از دیگر پتانسیل های بالای استان صادرات و ترانزیت کالا و فرآورده های نفتی می باشد.

۱۱. چرا حاکمیت نسبت به نخبگان کرد و اهل تسنن ایران دیدگاهی تنگ نظرانه دارد؟

نظام حاکم ایران هویت و ماندگاری اش را بر ایدئولوژی اسلامی شیعه مبتنی ساخته است و هر گونه دین و مذهب دیگری را برای بقای نظام به شدت خطرناک می داند. پاسخگویان در این زمینه معتقد بودند که: ایدئولوژی محدود و دگر اندیشی نخبگان کرد اهل تسنن موجب گشته است که حاکمیت فرصت رشد و ترقی را به آنها ندهد.

۱۲. شما دلیل عمده در ضعف امکانات بهداشتی، آموزشی، رفاهی و غیره را در استان کردستان نسبت به دیگر استان های کشور در چه عواملی می دانید؟

پاسخگویان مواردی از قبیل مرکز گرایی، هزینه کردن بودجه کشور در جهت صدور ایدئولوژی نظام، عدم مطالبه گری و کانالیزه کردن اعتراض ها، ضعف نمایندگان مجلس و مسولین استانی و فقدان نشریات و رسانه های تاثیر گذار را بر شمرده اند. آنها همچنین ناتوانی مسولین و مدیران استان در جذب امکانات و بودجه، تداوم رویکرد اول انقلاب نسبت به استان کردستان، جنگ و مسایل امنیتی، کم توجهی مسولین دولتی و محلی، کم کاری نمایندگان و تنگ نظری مرکز نشینان و قرار نگرفتن افراد توانمند و متخصص در پست های مدیریتی را در عدم بهره مندی استان کردستان از امکانات بهداشتی و رفاهی و ... دخیل دانسته اند.

۱۳. چرا علاوه بر دولت، بخش خصوصی نیز در استان کردستان حاضر به سرمایه گذاری نیست؟

پاسخگویان همچنین به فقدان فرهنگ سرمایه گذاری در استان کردستان به خاطر تسلط رویکرد قاچاق، عدم ایجاد تسهیلات لازم از جانب دولت و جو امنیتی کردستان اشاره داشته اند. هم مرز بودن با کشور عراق، حضور جنبش های مخالف دولت مرکزی در استان و تبلیغات منفی در مورد امنیت کردستان در رابطه با سرمایه گذاری بخش خصوصی در استان کردستان تاثیر منفی داشته است. آنها اظهار داشته اند که هدف بخش خصوصی کسب منفعت است.

۱۴. چرا دولت ایران همانند استان های فارس زبان، حاضر به اجرای طرح های زیربنایی در استان کردستان نیست؟ پاسخگویان معتقد بودند که نگاه دولت به استان کردستان، نگاه امنیتی است و دولت معمولاً استان کردستان را غیر خودی می داند. نظام حاکم سعی در یکسان سازی ملیتی دارد و در این راه گام های اساسی برداشته است. آنها همچنین گفته اند که مشکل توسعه نیافتگی بیش از آنکه قومیتی و زبانی باشد، ایدئولوژیک و سیاسی است.

۱۵. به نظر شما چرا بیشتر مسئولین سطح استان غیر بومی هستند؟

یکی از مسایلی که همواره مورد انتقاد نخبگان و شهروندان استان کردستان واقع شده است، غیر بومی بودن مسئولین استانی می باشد. از ابتدای انقلاب تا کنون همواره مسئولین سطح استان غیر بومی بوده اند. نخبگان استانی حتی از تصدی پست های استانی هم محروم بوده اند. پاسخگویان در این زمینه گفته اند که: قطعاً عدم اعتماد دولتمردان به افراد بومی در سطح استان از دلایل اصلی می باشد. مردم استان از نظر مذهبی، فرهنگی، زبانی و قومی با ساختار نظام تفاوت بنیادین دارند.

۱۶. به نظر شما پیامدهای منفی توزیع ناعادلانه فرصت ها و امکانات در استان کردستان چیست؟

پاسخگویان گفته اند که پایین بودن فرصت ها و امکانات در استان کردستان موجب ایجاد شکاف اجتماعی-سیاسی، تقویت گرایش های رادیکال، هویت طلبی قومی-مذهبی، تهدید امنیت ملی و تقویت گرایش های جدایی طلبانه خواهد شد. پیامدهای این امر موجب افزایش روز افزون شکاف توسعه استان نسبت به سایر استان ها گردیده و استان کردستان را در یک دور باطل فقر و توسعه نیافتگی قرار می دهد. تشدید تضاد دولت-ملت نیز موجب کم رنگ شدن علقه های وابستگی به مرکز خواهد شد.

۱۷. شما چه راهکارهایی را برای توزیع عادلانه و توسعه استان کردستان در نظر دارید؟

پاسخگویان برای برون رفت استان کردستان از مشکلات توسعه یافتگی موارد گوناگونی را پیشنهاد داده اند. آنها معتقد بودند اولین قدم در این راه همت جدی و اتحاد مدیران و نمایندگان استانی و افزایش روحیه خودخواهی آنها است. در این راستا لازم است برای استان یک برنامه استراتژیک عملیاتی با توجه ظرفیت ها و پتانسیل های استان نوشته شود و اهداف بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت مشخص گردد.

ضریب هماهنگی کندال

برای بررسی آزمون هماهنگی نظر پاسخگویان در خصوص سوالات پرسشنامه از ضریب هماهنگی کندال استفاده شده است. همچنان که در جدول زیر آمده است مقدار ضریب هماهنگی کندال برابر ۰/۷۱ است که همبستگی بالایی بین نظر پاسخگویان نسبت به سوالات پرسشنامه را نشان می دهد. مقدار آزمون خی دو ۱۰۵/۸۳۶ و سطح معنی داری آن ۰/۰۰۱ بوده است که در سطح یک درصد خطا معنی دار بوده است. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می توان گفت که نظر پاسخگویان در خصوص سوالات پرسشنامه از توافق و هماهنگی لازم برخوردار بوده است.

جدول (۲): ضریب هماهنگی کندال

تعداد افراد	ضریب هماهنگی کندال	آزمون خی دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
۲۵	۰/۷۱۵	۱۰۵/۸۳۶	۱۱	۰/۰۰۱

بررسی آزمون معنی داری سوالات پرسشنامه دلفی

برای بررسی آزمون این سوالات از آزمون معنی داری خی دو تک متغیره استفاده شده است. همچنان که در جدول زیر مشاهده می گردد، آزمون خی دو برای همه سوالات در سطح یک درصد خطا معنی دار بوده است. بنابراین می توان گفت که نظر پاسخگویان تایید و با احتمال خطای یک درصد قابل تعمیم به جامعه استان کردستان می باشد و واقعا می توان گفت که عوامل ذکر شده در سوالات بالا تاثیر زیاد و معنی داری در ناعادلانه بودن توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان داشته است.

جدول (۳): بررسی آزمون معنی داری سوالات پرسشنامه دلفی

سوال	۱س	۲س	۳س	۴س	۵س	۶س	۷س	۸س	۹س	۱۰س	۱۱س	۱۲
خی دو	۲۰/۴۸	۱۷/۱۰۸	۱۷/۳۶	۱۹/۶۴	۱۲/۴۰	۱۷/۶۰	۲۴/۵۶	۹/۷۲	۶/۳۲	۱۴/۸۴	۱۸/۳۲	۷/۲۸
درجه	۴	۳	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
آزادی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۴۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴

یافته های بر گرفته از دستاوردهای مطالعه پیمایشی

بین عامل مذهب، قومیت، انسداد اجتماعی، فرصت های نابرابر در دستیابی به مشاغل دولتی، دولت و قوانین اداری (انحصاری بودن پست های رده بالای مدیریتی)، دسترسی به قدرت، در دست داشتن اقتصاد و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان رابطه وجود دارد.

جدول (۴): ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

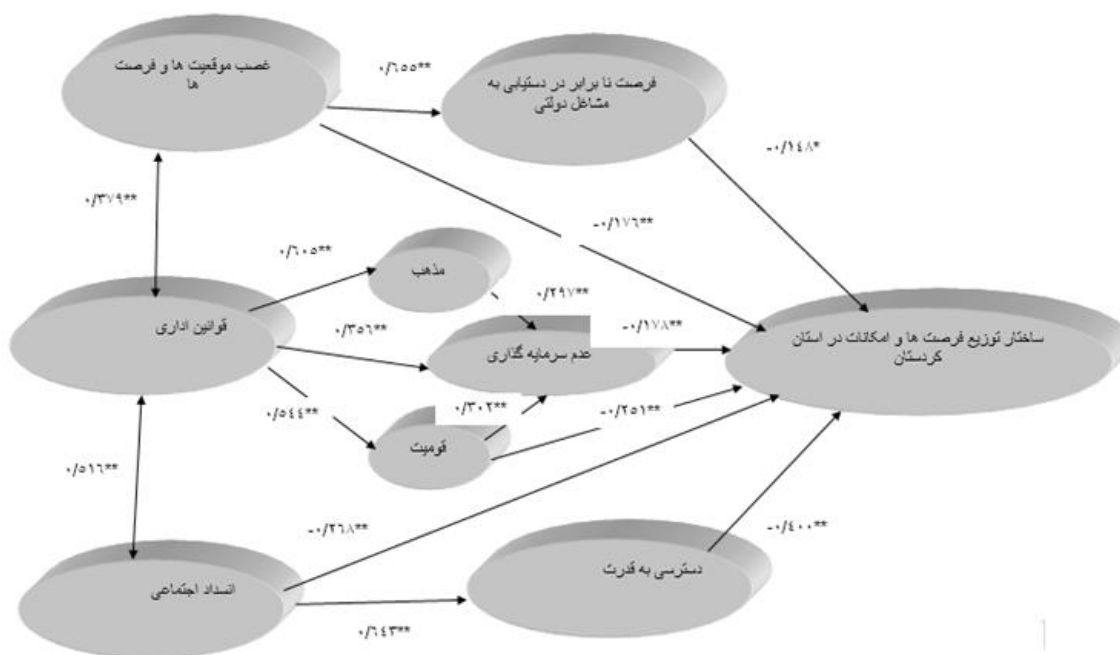
متغیر	ساختار توزیع فرصت ها و امکانات
مذهب	ضریب همبستگی پیرسون
	سطح معنی داری
قومیت	ضریب همبستگی پیرسون
	سطح معنی داری
انسداد اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون
	سطح معنی داری
فرصت های نابرابر در دستیابی به مشاغل دولتی	ضریب همبستگی پیرسون
	سطح معنی داری
انحصاری بودن پست های رده بالای مدیریتی	ضریب همبستگی پیرسون
	سطح معنی داری
دسترسی به قدرت	ضریب همبستگی پیرسون
	سطح معنی داری
در دست داشتن اقتصاد	ضریب همبستگی پیرسون
	سطح معنی داری

ضریب همبستگی بین عامل مذهب و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان نشان داد بین عامل مذهب و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوسی و معنی داری وجود دارد یکی از موانع ایجاد فرصت ها و امکانات توسعه و اختصاص بودجه به استان کردستان عامل مذهب (تسنن بودن مردم کردستان) می باشد. بین عامل قومیت و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان همبستگی معکوس و معنی داری وجود دارد و این نتیجه با احتمال خطای یک درصد قابل تعمیم به جامعه آماری تحقیق می باشد. یعنی می توان گفت که عامل قومیت (کرد بودن مردم استان کردستان) مانعی در راه توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات بوده است. و کرد بودن مردم استان موجب شده است تا فرصت و امکانات در استان کردستان نسبت به دیگر استان های کشور کم و ناچیز باشد. بین انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر از دیدگاه پاسخگویان، انسداد اجتماعی در ایران موجب شده است تا استان کردستان نسبت به دیگر استان های کشور و بخصوص استان های مرکزی ایران، از فرصت ها و امکانات کمتری برخوردار باشد. بین فرصت های نابرابر در دستیابی به مشاغل دولتی در نظام سیاسی ایران و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد می توان گفت که هر چه فرصت های نابرابر در دستیابی به مشاغل دولتی در نظام سیاسی ایران بیشتر بوده، میزان بهره مندی استان کردستان از فرصت ها و امکانات نیز کمتر بوده است. بین انحصاری بودن پست

های رده بالای مدیریتی و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد می توان گفت که از دیدگاه پاسخگویان هر چه انحصار طلبی در تصدی پست های رده بالای مدیریتی ایران بیشتر بوده، میزان بهره مندی مردم استان کردستان از فرصت ها و امکانات کاهش یافته است.

تحلیل مسیر

همانطور که از نمودار زیر بر می آید متغیر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان به عنوان متغیر وابسته نهایی در نظر گرفته شده است. متغیرهای فرصت های نابرابر در دست یابی به مشاغل دولتی، غصب موقعیت ها و فرصت ها، عدم سرمایه گذاری در استان، قومیت، انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و دسترسی نابرابر به قدرت تأثیر مستقیم بر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان داشته اند که بزرگترین ضریب مسیر مربوط به دسترسی نابرابر به قدرت در جامعه ایران می باشد. متغیر غصب موقعیت ها و فرصت ها علاوه بر تأثیر مستقیم از طریق فرصت نا برابر در دستیابی به مشاغل دولتی به صورت غیر مستقیم نیز بر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان تأثیر دارد. متغیر مذهب، قومیت و قوانین اداری نیز از طریق کاهش عدم سرمایه گذاری بر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات تأثیر غیر مستقیم دارد. متغیر انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران هم علاوه بر تأثیر مستقیم از طریق متغیر دسترسی نابرابر به قدرت به صورت غیر مستقیم بر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان تأثیر دارد. متغیر قوانین اداری به صورت غیر مستقیم از طریق متغیرهای مذهب، قومیت و عدم سرمایه گذاری در استان بر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان مؤثر بوده است.



شکل (۲): تحلیل مسیر

نتیجه گیری

برابری و عدم توازن در دسترسی به امکانات، فرصت ها و تامین نیازها رابطه ای دو سویه با توسعه و توسعه نیافتگی دارد یعنی از یکسو خود عامل توسعه نیافتگی است و از سوی دیگر توسعه نیافتگی می تواند منجر به نابرابری گردد. نابرابری و عدم تعادل منطقه ای دو زمینه اصلی دارند که عبارتند از شرایط طبیعی هر منطقه جغرافیایی و تصمیمات سیاستگذاران و برنامه ریزان اقتصادی. می توان گفت که شناخت وضعیت برخورداری مناطق در شاخص ها و معیارهای مختلف برای سیاست گذاری و برنامه ریزی در راستای تحقق عدالت فضایی و اجتماعی صورت می گیرد، زمینه سازی برای رشد و توزیع متناسب امکانات و تسهیلات به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی، از جمله مباحث مطرح در توسعه منطقه ای است (علوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۰). ایران به عنوان کشور در حال توسعه برای

طی کردن مسیر توسعه نیازمند رفع نابرابری هاست. این تحقیق با هدف بررسی زمینه ها و تنگنایهای توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات در استان کردستان در مقایسه با دیگر استان های کشور می باشد و اینکه چه عواملی در عدم توسعه این استان نسبت به استان های دیگر تاثیر دارند. این تحقیق به روش دلفی و پیمایشی بر روی نخبگان و شهروندان استان کردستان اجرا شده است. نتایج تحقیق در دو بخش کمی و کیفی تحلیل شدند. نتایج توصیفی تحقیق در بخش کمی نشان داد که بیشتر پاسخگویان معتقد بودند توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان در مقایسه با سایر استان های کشور ناعادلانه بوده است و معتقد بودند که این استان نسبت به سایر استان های کشور محروم می باشد. پاسخگویان عملکرد دولت را در استان کردستان در در مقایسه با سایر استان های کشور ضعیف ارزیابی نموده اند. و معتقد بودند در حق استان کردستان اجحاف شده است. همچنین اکثریت پاسخگویان اظهار داشته اند که مذهب و قومیت یکی از عوامل اصلی در عدم بهره مندی استان کردستان از امکانات و فرصت ها بوده است. بیشتر پاسخگویان گفته اند که انسداد اجتماعی در نظام سیاسی و اجتماعی ایران زیاد است. نخبگان استان کردستان فرصت دست یابی به مشاغل بالای دولتی و مدیریت کلان کشوری را ندارند.

بیشتر پاسخگویان معتقد بودند که پست های کلان مدیریتی در ایران انحصاری هستند و در اختیار گروهی خاص می باشند. اکثر پاسخگویان معتقد بودند سرمایه گذاری در استان کردستان کم بوده است و دولت اقدامات لازم را در این زمینه انجام نداده است. همچنین بیشتر پاسخگویان معتقد بودند فرصت ها و موقعیت های ممتاز در ایران در اختیار عده ای خاص می باشند. آزمون فرضیه های تحقیق در بخش کمی و کیفی (دلفی) هم نشان داد که توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان نسبت به دیگر استان های کشور ناعادلانه بوده است و ایجاد فرصت ها و امکانات در استان کردستان نسبت به دیگر استان های کشور کمتر بوده است. همچنین متغیرهای مذهب، انسداد اجتماعی، فرصت های نابرابر در دستیابی به مشاغل دولتی، انحصاری بودن پست های رده بالای مدیریتی، دسترسی به قدرت، عدم سرمایه گذاری در استان کردستان، در دست داشتن فرصت ها و موقعیت های ممتاز بر ایجاد فرصت ها و امکانات در استان کردستان تاثیر منفی و معنی داری داشته اند و از دیدگاه پاسخگویان این عوامل از ابتدای انقلاب تاکنون مانعی بر توسعه استان و توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات در این استان بوده است. در تبیین تاثیر انسداد اجتماعی و در نتیجه کرد بودن و اهل تسنن بودن اکثریت شهروندان استان کردستان بر عدم بهره مندی استان کردستان از فرصت ها و امکانات، پارکین معتقد است که نابرابری بین گروه های اجتماعی در جامعه ریشه در انسداد اجتماعی دارد. به عقیده او در یک جامعه راه پیشرفت و دستیابی به مزایای اجتماعی برای بعضی از گروه های اجتماعی بسته است و بعضی از گروه ها و طبقات اجتماعی نمی توانند در جامعه ترقی کنند. پارکین عواملی از قبیل نژاد و قومیت و جنسیت و مذهب را در انسداد اجتماعی جامعه موثر دانسته است. بنابراین می توان نابرابری بین استان ها و عدم توسعه یافتگی استان کردستان را در پرتو عواملی از قبیل قومیت (کرد بودن) و مذهب (اهل تسنن) تبیین نمود. زبان و مذهب مردم استان کردستان با زبان و مذهب رسمی کشور متفاوت است و این تفاوت عاملی بر سر راه توسعه استان کردستان بوده است. پارکین دو نوع حصر مادی و حصر ناشی از خاستگاه اجتماعی (مذهب، زبان و غیره) را در نظر گرفت که معتقد است در حصر اجتماعی بعضی از گروهها به واسطه ی برخی ویژگی ها به منابع و مناصب اجتماعی دسترسی پیدا می کنند و به عنوان طبقه مسلط در می آیند که دیگران را در انقیاد خود قرار می دهند، بعضی از گروههای اجتماعی به واسطه مذهب، نژاد، زبان و غیره طرد شده و برعکس گروههای دیگر به خاطر همین ویژگی ها موقعیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را غصب می کنند. و این عامل زمینه ی اصلی توزیع نابرابر فرصت ها و امکانات بین افراد، گروهها و مناطق در کشور می شود. از نظر لسنسکی هم عامل مهمی که در نابرابری های اجتماعی بین افراد و گروهها موثر دانسته است، بهره مندی افراد از قدرت و دستیابی آنها به قدرت و منابع قدرت در جامعه است. بر این اساس افرادی که دسترسی بیشتر به قدرت دارند بر سایر گروهها می توانند مسلط باشند. که با نگاه به مناطق و استان های مختلف کشور در می یابیم آن استان ها و مناطقی که دسترسی اندک به قدرت دارند و نتوانسته اند در به دست آوردن پست های سیاسی و مدیریتی کلان کشور سهمیم باشند از نظر اقتصادی، آموزشی، امکانات رفاهی و غیره نسبت به بقیه ی مناطق کشور

معروم بوده و بدین ترتیب نا برابری بین استان ها در توزیع امکانات و مزایای اجتماعی بیشتر شده است. رالز نیز عدالت اجتماعی را در جامعه در پرتو دستیابی آزاد و یکسان افراد به موقعیت ها و مناصب اجتماعی مختلف می داند. او معتقد است عدالت اجتماعی زمانی تحقق می یابد که حق آزادی انتخاب فرصت ها و مشاغل در جامعه وجود داشته باشد. افراد باید شانس برابر برای تصدی مناصب دولتی داشته باشند و بتوانند بر اساس استعداد و شایستگی های خود فارغ از عواملی نظیر جنسیت، قومیت، زبان و مذهب در سلسله مراتب اجتماعی پیشرفت کنند. فرصت های نابرابر گروه های اجتماعی موجب ایجاد نابرابری اجتماعی در جامع گردیده و نابرابری بخشی ایجاد می کند. این امر موجب می گردد که امکانات کشور به صورت نابرابر در مناطق توزیع گردند و در نتیجه بعضی از استان ها از فرصت های لازم برای توسعه باز بمانند.

منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی؛ موسوی، میر نجف و کاظمی زاد، شمس الهه (۱۳۹۱) تحلیل فضایی نابرابریهای منطقه ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، صص ۲۳۵-۲۱۴
۲. ازکیا، مصطفی؛ زنجانی، حبیبالله؛ سید میرزایی، سید محمد؛ برغمندی، هادی (۱۳۹۳) بررسی سطح توسعه اجتماعی در شهر تهران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره چهارم، صص ۸-۲۱
۳. ازکیا، مصطفی؛ احمد رش، رشید و دانشمهر، حسین (۱۳۹۲) توسعه و مناقشات پارادایمی جدید، انتشارات کیهان، چاپ اول
۴. رالز، جان (۱۳۹۳) عدالت به مثابه انصاف، ترجمه مصطفی ملکیان، مجله نقد و نظر، شماره ۱۱-۱۰
۵. ریتزر، جورج و داگلاس، جی گودمن (۱۳۹۰) نظریه جامعه شناسی مدرن، ترجمه خلیل میرزایی، تهران، انتشارات جامعه شناسان
۶. سیدمن، استیون (۱۳۸۶) کشاکش آرا در جامعه شناسی ترجمه هادی جلیلی، تهران نشر نی
۷. سیف الهی، سیف اله (۱۳۸۶) جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، چاپ دوم، ناشر موسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا
۸. سیف الهی، سیف اله (۱۳۸۸) مبانی جامعه شناسی، اصول و مبانی مسائل اجتماعی، ناشر انتشارات جامعه پژوهان سینا
۹. سیف الهی، سیف اله و حافظ امینی، حمیرا (۱۳۸۸) برنامه های توسعه اقتصادی- اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه های قومی در ایران، فصلنامه پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۰۳-۶۹
۱۰. کاشی، محمد؛ شیخاوندی، داور و رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۳) جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، گناباد: نشر مرنندیز
۱۱. گرب، ادوارد (۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی: دیدگاه های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر (مترجمان: محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی زاد). تهران: نشر معاصر
۱۲. مردانی، مریم (آزاده) (۱۳۸۷) بررسی رابطه ی سطوح توسعه یافتگی استان های ایران با درجه ی محرومیت و بهره مندی جنسیتی در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده اقتصاد و حسابداری
۱۳. ملک، حسن (۱۳۸۱) جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی؛ انتشارات دانشگاه پیام نور: تهران
۱۴. ویسی، اکبر (۱۳۸۹) بررسی عوامل عمده موثر بر نابرابریهای توسعه منطقه ای استانهای ایران با تاکید بر استان کردستان طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی